

سوزه روز

بیژن عبدالکریمی: ایران را با سوره مقایسه نکنیم



به‌اعتقاد بسیاری از استادان دانشگاهی وتحلیلگران از جمله بیژن عبدالکریمی استاد فلسفه این رخدادها برای ایران امروز درس‌های فراوانی دارد که باید به آنها توجه کرد. عبدالکریمی در عین اینکه تحولاتی سوره‌به‌چربی‌و‌وقوع آن راتحلیل می‌کند، نقبی هم‌به مسائل درونی کشور، می‌زند.

دامنه ارزیابی‌های عبدالکریمی در مصاحبه روز گذشته اش با اعتماد، امانت‌ها متوجه نظام سیاسی نمی‌ماند. او در عین حال معتقد است که هم مردم و هم نخبگان برای پی‌موند مسیر توسعه‌ورفاه، وظایفی را به‌عهده‌دارند که باید به آنها پایبند باشند. به‌زعم این استاد دانشگاه هیچ ساختار سیاسی بدون مشارکت و حضور مردم و نقش آفرینی نخبگان واقعی نمی‌تواند کرانه‌های رشدیابدیموده‌ومطالبات مردم رامحقق کند.

♦♦♦ جامعه ایرانی این روزها با مباحث و مسائل و ابهامات خاصی روبه‌رو است؛ از یک طرف رخداد‌های منطقه‌ای و سقوط حاکمیت سوریه، توجه افکار عمومی را به خود جلب کرده‌و از سوی دیگر رویکردهای طیف‌های تندرو در ایران و استفاده از رویکردهای سلبی در بحث‌هایی، چون حجاب و عفاف و فیلترینگ و... نگرانی‌هایی را ایجاد کرده‌است در این شرایط چگونه می‌توان در جامعه تعادل و توازن ایجاد کرد؟

قبل از هر چیز باید توجه داشت که شرایط کشور ما از بسیاری از جهات با سوره قابل مقایسه نیست، اما این به این معنا نیست که ما هیچ خطوط مشترکی میان دو کشور نمی‌توانیم پیدا کنیم. همچنین از تجربیات دیگر کشورها هم نمی‌توانیم عبرت بگیریم. یعنی نه ایران را باید با سوره مقایسه کنیم و نه اینکه خیال‌مان راحت باشد که با سوره شرایط کاملاً متفاوتی داریم. تجربه حکومت‌بشار اسد نشان داد که آرا، افکار و احساسات عمومی تا چه اندازه می‌توانند در سرنوشت ساختارها و سیستم‌ها نقش داشته باشند. حتی اگر این احساسات درست نباشند، حتی اگر این احساسات ساخته و پرداخته رسانه‌های غربی باشد. اما به هر حال این احساسات به‌عنوان یک واقعیت در ناخودآگاه جمعی جامعه وجود دارد و در برخی بزرگه‌های تاریخی خود را نشان داده و اثرگذار می‌شوند.

♦♦♦ یکی از عوامل مهم برای مصون‌سازی کشورها در برابر عوامل بیرونی، افزایش انسجام اجتماعی است. ایران چگونه در این برهه می‌تواند انسجام ملی و اجتماعی خود را ارتقا دهد؟

در مورد ایران هم انسجام اجتماعی ایران به دلایل گوناگون تاریخی لطمه‌خورده‌است. حاکمیت ایران باید دوراندیش باشد، ممکن است امروز در شرایط خطر نباشیم (که البته به‌نظر من هستیم)، اما به‌دورنمایی امیدبخش در آینده نیاز داریم. نباید فراموش کرد که امروز مادر حال جنگیم و هر لحظه به واسطه آمریکا و اسرائیل و سایر دشمنان‌مان در خطر قرار داریم. حاکمیت می‌بایست به‌شدت به این انسجام ملی توجه کند. دیروز خبری درباره تعویق قانون حجاب و عفاف توسط شورای عالی امنیت منتشر شد که حقیقتاً باعث خوشحالی همه دلسوزان کشور شد. متأسفانه، اما رادامه این خبر تکذیب‌شد! معتقدم شورای امنیت ملی باید به این ضرورت‌ها توجه داشته و به این بحث‌ها ورود کند. نباید همه مسائل از جمله حجاب در ایران امنیتی دیده شوند. ما باید به وجود نرم قضایی‌هم توجه داشته باشیم. با مسائل انسانی نمی‌توان به شیوه پلیسی و امنیتی برخورد کرد. نمی‌توان با نگاه صرف امنیتی، نظامی و سلبی با موضوعات اجتماعی و فرهنگی و عمومی مواجه شد. اما این سکه دو رو دارد. در سوی دیگر این سکه، روشنفکران و نخبگان قرار دارند. آنها هم باید مراقب فضای خاص اجتماعی کشور باشند. نباید دایما بر آتش شکاف‌های اجتماعی‌و از بین رفتن انسجام ملی بدمیم و شکاف‌میان ملت و حاکمیت را افزایش دهیم تا جایی که امنیت ملی‌مان به خطر افتاده و کشور در آستانه چالش‌های مختلف قرار گیرد. نباید شرایط به اندازه‌ای بحرانی شود که دشمنان احساس کنند شکاف‌ها به اندازه‌ای عمیق و وسیع شده‌است که به خود اجازه تجاوز به کشور را بدهند.

♦♦♦ وقتی به کلیدواژه‌های اصلی کارآمدی نظام‌های حکمرانی در جهان نگاه می‌شود، ترجیح بدهندهایی، چون اجماع نخبگانی در جایگاه برجسته‌ای قرار می‌گیرد. وقتی نخبگان حوزه‌های مختلف از جمله عالمان علوم دینی، جامعه‌شناسان، عالمان علوم سیاسی، مردم‌شناسان، فلاسفه و... اعلام می‌کنند رویکردهای سلبی در موضوعاتی، چون حجاب و فیلترینگ و... خطرناک است، اما توجهی به این تذکار نمی‌شود، چه‌خطری کشور را تهدید می‌کند؟

اولا من در نخبه بودن برخی نخبگان تردید دارم. این تردید در دو طرف حاکمیت از یک طرف و اپوزیسیون، منتقدان، مخالفان و... در سوی دیگر وجود دارد. اگر نخبگان مسوولیت‌های خود را به خوبی ایفا می‌کردند باید این اجماع نخبگانی شکل می‌گرفت. همین که ضرورت اجماع نخبگانی احساس می‌شود، اما کنشگران ایرانی چه در عرصه پوزیسیون و اپوزیسیون به این اجماع تن نمی‌دهند، نشان‌دهنده نابسامان بودن خرد قومی ما در هر دو سوی حاکمیتی و اپوزیسیونی است. فکرمی‌کنم اگر قدرت سیاسی ما نارضایتی‌ها و اعتراضات را با دلایل پلیسی و امنیتی نادیده بگیرد با وضعیت بغرنج و بحرانی‌تر از شرایط کنونی مواجه خواهیم شد. این بحران‌ها تا جایی ادامه می‌یابند که ممکن است کلیت امنیت ملی ما را با خطر مواجه سازند.

♦♦♦ سیستم چگونه می‌تواند مطالبات اکثریت جامعه را احصا کند و بعد چگونه می‌توان این مطالبات رامحقق کرد؟

قدرت سیاسی ایران به مطالبات مردم آشناست، اطلاعات خوبی دارد و با این خواسته‌ها بیگانه نیست. اما نکته‌ای که شاید مردم و روشنفکران کمتر به آن توجه می‌کنند، اولویت‌بندی این مطالبات است. اینکه کدامین مطالبات و خواست‌ها اولویت بیشتری دارد. از منظر حاکمیت امنیت ملی در راس اولویت‌ها قرار دارد. اما برای بخش اعظم جامعه ایرانی، رفاه، بهبود شاخص‌های اقتصادی، خروج از بحران اقتصادی، خروج از تورم دورقمی و... اولویت بیشتری دارد. این به این معنا نیست که حاکمیت نمی‌داند مردم چه می‌خواهند، بلکه سخن‌در این است که نمی‌تواند مطالبات مردم را اجابت کند. از سوی دیگر، ما یک جامعه شبه مدرن هستیم. هیچ جامعه شبه مدرنی نمی‌تواند به مطالبات مردم خود پاسخ مناسبی دهد. ضمن اینکه تحریم‌ها و فشار نظام سلطه اجازه نمی‌دهد، شرایط بهبودیابد.

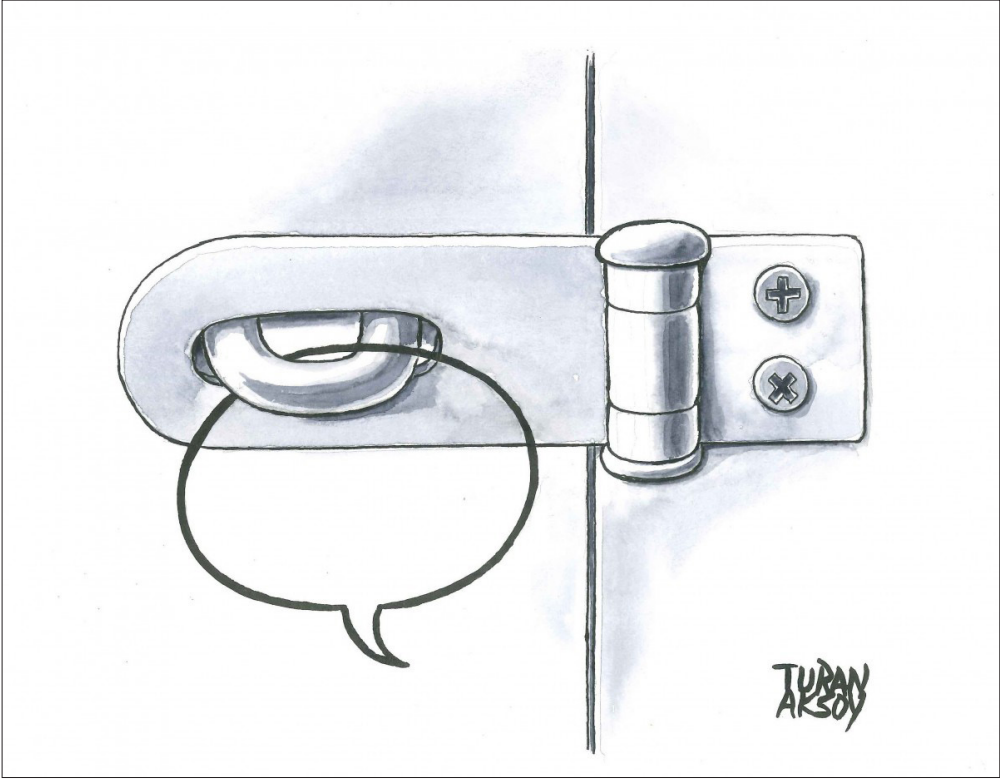
تصمیم‌گیران ایرانی واقعیت‌ها را ببینند

دولت آمده و نوشت: آیا همان فریادکنندگان در مجالس دوره سازندگی و پس از آن تا امروز که نمایندگان و رئیس مجلس به کلی اعلام برائت از طرح اصلاح قیمت بنزین می‌کنند، حاضرند پاسخ دهند یا تشریک مساعی کنند؟

چرا در مواردی که دولت را در محظورات و محذورات قرار می‌دهد، مثل حمله به دکتر ظریف برای حذف مشاور رئیس دولت و تضعیف وی، یا لایحه پیچیده و مشکل‌ساز حجاب و عفاف، بدون سنجش منابع و لوازم و عواقب آن، فشار می‌آورند و هیچ توجهی به وقایع منطقه و افکار عمومی و محدودیت‌های دولت ندارند، اما در مسائل بزرگ که با جان مردم و آینده مملکت در ارتباط است، خود را بلااختیار نمایش داده و کنار می‌کشند! اطلاعات در مطلبی دیگر نیز هم‌راستا با نقطه نظرات فوق نوشت: در چنین شرایطی گام اول مواجهه شفاف و واقع‌گرایانه با تهدیدات موجود است؛ تکذیب و انکار و شعارهای بی‌پشتوانه نه فقط دردی از کشور دوا نمی‌کند، بلکه ممکن است سبب رخوت و سستی در برنامه‌ریزی برای مواجهه دقیق و جدی با تهدیدات موجود شود.

گام دوم بازگرداندن صاحبان و ولی نعمتان حکومت به جایگاه اصلی خودشان است؛ قاطبه مردم ایران باید احساس کنند حکومت متعلق به خود آنهاست و هدفش چیزی جز خدمت و فراهم کردن آسایش و رفاه برای آنها نیست. در نتیجه، در شرایط کنونی لازم است بیشترین سرمایه‌گذاری روی تقویت رضایت و خوشنودی مردم و تقویت سرمایه اجتماعی صورت بگیرد و از ارائه و اجرای هر برنامه‌ای که بین اقشار مختلف مردم فاصله می‌اندازد یا آنها را از بهبود شرایط کشور ناامید می‌کند، پرهیز شود.

تصمیم‌گیران ایرانی باید واقعیت‌ها را ببینند و با صحبت شفاف در مورد آنها نشان دهند که برای این شرایط برنامه‌ریزی و آمادگی دارند.



[**شهرود**] دیروز هم همچنان تب سوره فراگیر بود و بسیاری از رسانه‌ها با گذشت چند روز از سقوط اسد به تحلیل‌ها و نگاه‌های جدی‌تری رسیده بودند. نگاه به وقایع ملی، تقویت دولت، اشتباهات صدا و سیما و... از جمله موارد مورد اشاره‌ای بود که همگی در راستای ایجاد تعامل بیشتر بین دولت و ملت بود و بر ضرورت هوشیاری و برنامه‌ریزی برای آینده تکیه داشت. برخی نیز راه‌حل‌هایی ارائه داده و خواستار اصلاح برخی رویکردها بودند. اما آنچه جالب بود تأکید بر توجه توامان به سیاست خارجی و داخلی کشور بود.

وعده‌های دولت، پای صندوق‌های رأی آمده بودند را همچنان حفظ کند و منجر می‌شود تا این بدنه تبدیل به حامیان جدی دولت شوند.

بدنه رادیکال جناح خود را اقلان کنید

اعتماد برای کمک به دولت به نقد جناح مقابل پرداخته‌است. این روزنامه نوشت: اکنون رسانه‌های پُر تعداد جریان مخالف دولت پزشکیان، مخصوصا رسانه ملی و خبرگزاری‌های بزرگ، باید بیش‌ازپیش هوشیار باشند. آنها باید تلاش کنند عناصر نفوذی در میان خط سیاسی خود را شناسایی کنند. در مسیر رهنمود رهبری، همکاری و همکاری خود را با دولت تقویت و به موفقیت آن کمک کنند. تقویت انسجام و همبستگی میان کنشگران درون

برای ترمیم سرمایه اجتماعی اجازه دهید دولت رفع فیلتر را پیش ببرد

با روزنامه اصولگرای فرهیختگان آغاز کنیم. این روزنامه نوشت: موفقیت دولت در گرو تحقق وعده‌هایش در مواردی است که ترمیم شکاف اجتماعی را به همراه دارد. عدم تحقق این وعده‌ها ناامیدی را به جامعه تزریق می‌کند، شکافی میان دولت و بدنه حامی دولت ایجاد می‌کند.

اجرای شدن رفع محدودیت‌ها در چهارچوب قانون، این تصور را در میان مردم ایجاد می‌کند که دولت در تحقق موضوعاتی که به‌عنوان ایده محوری او به شمار می‌رود، موفق عمل کرده و کارآمد است. رفع فیلترینگ می‌تواند آن بدنه‌ای از جامعه که با هدف تحقق این

در نشست «احزاب و جناح‌ها کجای سیاست ایرانند؟» مطرح شد

آیا رفتن اسد برای مردم سوریه رفاه می‌آورد؟

روز گذشته نشست «احزاب و جناح‌ها کجای سیاست ایرانند؟» با حضور محمدرضا باهنر دبیرکل جبهه‌پیروان خط‌امام‌ورهبری، محمود واعظی قائم‌مقام حزب اعتدال و توسعه و حسین مرعشی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی با اجرای محمد مهاجری فعال رسانه‌ای و سیاسی در خبرآنلاین برگزار شد.

بخش‌هایی از این نشست که به تحولات در سوریه پرداخت را در ادامه بخوانید؛

محمدرضا باهنر؛ دبیر کل جبهه پیروان خط امام و رهبری

- بشار اسد خسته شده بود و رها کرد.
- همه حکومت‌ها به‌دنبال منافع ملی خودشان هستند و ما نیز باید به‌دنبال منافع ملی خودمان باشیم. جریان سوریه سریع رخ داد، تحلیل روشنی از آینده سوریه ندارم و نمی‌دانم حکومتی مردمی شکل می‌گیرد یا نه؟ ظاهراً بشار اسد خسته شده بود و رها کرد و رفت.
- قبلاً دولت رسمی سوریه از ایران تقاضای کمک کرده بود ما در آنجا مستشار داشتیم، وقتی که از ما دعوت رسمی نکند حضور ما به معنی تجاوز است. بشار اسد به این نتیجه رسیده بود که از ما دعوت و درخواست نداشته باشد.

{ با اشاره به دوران شهید حاج قاسم سلیمانی؛ در آن زمان ما دفاع را از مرزهای خودمان دور کرده بودیم. تدبیر و مکتب حاج قاسم ترویج دیپلماسی و میدان بود و کار را جلو برد. مجموعه ای که ادعای خلافت اسلامی داشتند را متوقف کرد. حالا هم برای آینده سوریه سناریوهای مختلفی وجود دارد.

محمود واعظی؛ قائم‌مقام حزب اعتدال و توسعه

- رفتن اسد برای مردم سوریه رفاه نمی‌آورد.
- ما و بسیاری از کشورها در رابطه با سوریه غافلگیر شدیم. اما نوع غافلگیری که ما به واسطه رابطه خوبی که با سوریه داشتیم، متفاوت است. وزیر خارجه ما دو روز قبل از سقوط بشار اسد به آنجا رفته بود. علامتی که در مصاحبه‌ها می‌دادند اتفاقی که رخ داد نبود. این مسئله باید ارزیابی شود.
- فقر بیش از حد اقتصادی در سوریه به نظامی‌ها نیز تسری پیدا کرده بود، آنها در حلب هیچ مقاومتی در برابر شورشیان نکردند و در نتیجه نارضایتی نظامیان تسلیم شدند و مردم استقبال کردند.